

پرونده شماره ۳۵۰
شعبه دو
حکم شماره ۲-۳۵۰-۵۰۴

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	25 JAN 1991
	تاریخ ۱۳۶۹ / ۱۱ / ۵

آراکل خواجه طورینس ،
آندرانیك خاچاطورینس ،
آریك خواجه طورینس ،
آستقیك خواجه طورینس ،
خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
وزارت راه و ترابری ،
بانك مرکزی ایران ،
بانك بازرگانی ایران ،
بانك تجارت و
بانك تجارتي ایران و آلمان ،
خواندگان.

حکم

یک - جریان رسیدگی

۱ - خواهانها، آراکل خواجه طورینس ("آراکل")، آندرانیک خاچاطوریانس ("آندرانیک")، آریک خواجه طورینس ("آریک") و آستیک خواجه طورینس ("آستیک") (کودک صغیری که پدرش به ولایت وی اقدام می‌کند) ("اختصاراً" خواهانها) در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت راه و ترابری، بانک مرکزی ایران، بانک بازرگانی ایران، بانک تجارت و بانک تجارتي ایران و آلمان (د. ای. ها) ("خوانندگان")، به ثبت رساندند و بابت سلب مالکیت ادعائی از سهام خود در شرکت ساختمانی نصب و حسابهای مختلف در بانک بازرگانی (بانک تجارت کنونی) و یک قطعه زمین، ساختمان دفتری، خانه و اموال منقول و همچنین بابت زیان ناشی از امتناع بانک د. ای. ها از تبدیل وجوه ریالی به دلار امریکا به نرخ رسمی، که حسب ادعا در تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۵۸ [نهم اکتبر ۱۹۷۹] یا حوالی این تاریخ به دستور بانک مرکزی ایران به عمل آمده و در نتیجه خواهان مجبور به تبدیل ارز در "بازار آزاد" شده، مبلغ ۵،۰۲۵،۴۷۵/۲۰ دلار مطالبه کردند. خواهانها اظهار می‌دارند که ادعاهای آنها به استثنای یک فقره مربوط به د. ای. ها در تاریخ یا تاریخهای نامعینی پیش از دسامبر ۱۹۷۹ که آراکل طی سفر خود به ایران از سلب مالکیت ادعائی اطلاع حاصل کرد ایجاد شده‌اند.

۲ - خواننده بانک تجارت دادخواست متقابلی علیه خواهانها ثبت و مبلغ ۷۱،۹۳۰،۵۳۱/- ریال که حسب ادعا خواهانها برای ضمانتنامه‌های بانکی صادره توسط شرکت ساختمانی نصب به نفع وزارت راه و ترابری بدهی داشته‌اند مطالبه کرده است.

۳ - پرو تصمیم شماره الف ۱۸ - ۳۲ دیوان عمومی در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا، منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251، از خواهانها درخواست کرد هر ادله کتبی دیگری را که مایلند دیوان در تعیین اینکه آیا خواهانها اتباع ایالات متحده هستند یا

اتباع جمهوری اسلامی ایران یا اتباع هر دو کشور، و در صورتیکه اتباع هر دو کشور شناخته شوند، ادله مربوط به تابعیت غالب و موثر خواهانها را مورد بررسی قرار دهد به ثبت رسانند. دیوان همچنین به خواندگان دستور داد کلیه ادله کتبی را که مایلند دیوان درباره موضوع تابعیت خواهانها مورد بررسی قرار دهد به ثبت رسانند. باتوجه به اینکه طرفین لوایح کافی درباره موضوع تابعیت تسلیم کرده‌اند دیوان اینک براساس مدارک تسلیمی در پرونده درباره این موضوع صلاحیتی مبادرت به اخذ تصمیم می‌نماید.

دو - واقعیات و اظهارات

۴ - آراکل خواجه طوریانس در سال ۱۳۰۸ [۱۹۲۹] از والدین ایرانی در ایران متولد شده و دارنده شناسنامه شماره ۴۴۴ صادره از شهر سبزوار می‌باشد. وی حدود چهل سال اول عمر خود را در ایران گذراند و در آنجا با زنی ایرانی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند به نامهای آندرانیک، آریک و آستیک که آنها نیز در این پرونده خواهان هستند و نیز پسر دیگری به نام آرام شد (که در این پرونده خواهان نیست) که همه در ایران متولد شده‌اند. وی اظهار می‌کند که در سال ۱۹۷۱ با روادید مهاجرت ایران را به مقصد ایالات متحده ترک کرد و فرزندان خود را نیز همراه برده در آن کشور به مدرسه فرستاد. وی اظهار می‌دارد که خانواده بلافضل وی پیش از او ایران را ترک کرده بودند. خواهر و خانواده وی در اواسط دهه ۱۹۶۰ و والدین و دو برادر وی در اوایل دهه ۱۹۷۰ به ایالات متحده نقل مکان کرده بودند. وی به عنوان مدرک قصد انتخاب ایالات متحده به عنوان وطن خود، خرید دو مقبره در تاریخ دهم تیرماه ۱۳۵۴ [اول ژوئیه ۱۹۷۵] در آرامگاه گلندیل کالیفرنیا را ذکر کرده است.

۵ - آراکل در لوایح خود اظهار داشته است که پس از ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱، "محل زندگی خود را در ایالات متحده قرار داد و از راه سرمایه‌گذاری در مستغلات

آن کشور کسب معاش می‌کرد. وی به عنوان مدرک، فتوکپی چند سند مالکیت را ارائه داده که نشان می‌دهد از ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۲ خریدار چند قطعه مستغل در کالیفرنیا بوده است. لیکن آراکل حتی پس از ورود به ایالات متحده نیز کماکان به عنوان شریک ضامن و مدیرعامل شرکت ساختمانی نصب که یک پیمانکار راهسازی در ایران و با مشارکت مساوی با فرزندانش متعلق به وی بود باقی ماند. شرکت مزبور در نوامبر ۱۹۷۳، فوریه ۱۹۷۴، مارس ۱۹۷۵ و مارس ۱۹۷۸ قراردادهای کار ساختمانی با وزارت راه منعقد کرد که بخشی از مبنای دعوای این پرونده را تشکیل می‌دهند.

۶ - آراکل در مه ۱۹۷۷ در ایران با زنی ایرانی به نام فاطمه رجب پور انور ازدواج کرد که در قباله ازدواج به عنوان خانه‌دار و مقیم تهران مشخص شده است. آراکل در قباله ازدواج مسلمان و تبعه ایران و شغلش مهندس ذکر شده است. حاصل ازدواج آراکل و فاطمه دختری بود که در دهم شهریورماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] در شهر لوس آنجلس و پسری که در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] در شهر نیویورک بیچ ایالات متحده متولد شدند. آراکل و فاطمه در اوت ۱۹۷۹ در گلندیل کالیفرنیا مشترکا "مستغلی خریداری کردند. طبق اظهار آراکل ازدواج آنها در ۱۹۸۳ به طلاق انجامید.

۷ - آراکل اظهار می‌دارد که در آپارتمان متعلق به پسرش آریک مقدار زیادی اموال منقول داشته که حسب اظهار وی با خود مجموعه آپارتمان صادره شده است. ولی خواندگان شهادتنامه‌ای به تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۲۲ آوریل ۱۹۸۹] از مادر فاطمه تسلیم کرده‌اند مبنی بر اینکه وی به درخواست فاطمه و آراکل در هنگام ترک ایران از سال ۱۹۷۹ در آن آپارتمان زندگی می‌کرده است. آراکل در لوایح خود اظهار داشته است که پس از سفر به ایران در دسامبر ۱۹۷۹ که حسب ادعا از مصادره اموالش مطلع شد "دیگر در ایران اقامت یا کار و به آن کشور سفر نکرده است". وی در دوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۸ - آندرانیک خاچاطوریانس در سال ۱۳۳۴ [۱۹۵۵] در تهران متولد شد و دوران کودکی خود را در ایران گذراند. وی اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ با رواید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرده است. وی از سپتامبر ۱۹۷۴ تا هنگام فراغت از تحصیل در ژوئن ۱۹۷۴ در دبیرستان جان مارشال لوس آنجلس تحصیل کرد و پس از فراغت تحصیل از آن دبیرستان تا ۱۹۸۵ که به استخدام سکوریتی نشنال بانک در گلندیل کالیفرنیا درآمد در ایالات متحده مشاغل متفرقه و غیر مشخصی داشت. وی اذعان دارد که در ایران صاحب اموالی است ولی در لوایح خود اظهار داشته که "از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته و از زمان بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۶] در ایران اقامت یا کار و به آن کشور مسافرت نکرده است". وی در ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۹ - آریک خواجه طوریانس در سال ۱۳۲۹ [۱۹۵۸] در تهران متولد شد و دوران کودکی خود را در ایران گذراند. وی اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ با رواید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرده است. وی بعد از دو سال تحصیل در دبیرستان واشنگتن ایروینگ لوس آنجلس، در ژوئن ۱۹۷۳ به دبیرستان جان مارشال رفت و از سپتامبر ۱۹۷۳ تا دسامبر ۱۹۷۵ در آن دبیرستان تحصیل کرد. وی اظهار می‌دارد که سپس وارد ارتش ایالات متحده شد و در ایالت کالیفرنیا مستقر بود و در ۱۹۸۱ خدمت نظام خود را با موفقیت به پایان رساند. وی اذعان دارد که در ایران صاحب اموالی است ولی در لوایح خود اظهار داشته که "از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته است". وی اذعان می‌کند که سوگند تابعیت ایالات متحده را ادا نکرده هرچند که حائز کلیه شرایط دیگر کسب تابعیت بوده است. در تاریخ هشتم خردادماه ۱۳۶۹ [۲۹ مه ۱۹۹۰] آراکل به دیوان اطلاع داد که آریک در حادثه موتورسیکلت کشته شده است. هیچگونه اطلاعی درمورد تاریخ مرگ و هویت وارث و وضع ادعای آریک بعد از مرگ وی در اختیار دیوان گذارده نشده است.

۱۰ - آستیک خواجه طورینس در سال ۱۳۴۴ [۱۹۶۵] در تهران متولد شده و اوایل کودکی خود را در ایران گذراند. آراکل که دعوا را از طرف این دختر صغیر خود طرح کرده اظهار می‌دارد که وی در ۱۹۷۱ با سایر اعضای خانواده خود با روادید مهاجرت به ایالات متحده نقل مکان کرد و از سپتامبر ۱۹۷۱ تا ژوئن ۱۹۷۵ در دبستان اتواتر اونو در لوس آنجلس و از سپتامبر ۱۹۷۶ تا ژوئن ۱۹۷۷ در دبستان شبانه روزی هاوارد، سانتا باربارا در کالیفرنیا تحصیل می‌کرد و در سال تحصیلی ۱۹۷۷-۱۹۷۸ در آن دبستان مشغول تحصیل بود. آراکل اظهار می‌دارد که آستیک تا ژوئن ۱۹۸۲ به تحصیل در دبستان هاوارد ادامه داد و در این سال به مدرسه آمادگی الیوت پوپ در آیدل وایلد کالیفرنیا رفت. آراکل اذعان دارد که وی در ایران صاحب اموالی می‌باشد ولی در لوایح خود اظهار داشته که "از زمان ورود به ایالات متحده در ۱۹۷۱ با ایران ارتباط اساسی نداشته و از زمان بروز ادعاها تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ دیماه ۱۳۵۹] به ایران سفر یا در آن کشور اقامت یا کار نکرده است". وی در دوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] هنگامی که پدرش تابعیت ایالات متحده را کسب نمود به موجب قانون به تابعیت امریکا درآمد.

سه - دلایل حکم

۱۱ - آراکل، آندرانیک، آریک و آستیک همگی در ایران متولد شده و به استناد تابعیت ایرانی پدر خود تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند. بحثی نیست که اقدام قانونی لازم برای لغو تابعیت ایرانی خود معمول نداشته‌اند. بنابراین دیوان معتقد است که هر چهار نفر در تمام عمر خود تبعه ایران بوده‌اند.

۱۲ - طبق فتوکپی‌های گواهی تابعیت که به عنوان مدرک تسلیم شده، آراکل و آستیک در دوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] و آندرانیک در ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] به تابعیت ایالات متحده درآمدند. بنابراین به نظر دیوان سه نفر نامبرده از تاریخهای مذکور اتباع ایالات متحده نیز بوده‌اند.

۱۳ - ولی آریک هیچگاه تبعه آمریکا نشد. همانطور که در لوایح خود اذعان کرده، وی هیچگاه سوگند تابعیت را که یکی از شروط اساسی تابعیت می‌باشد ادا نکرده است. به موجب ماده ۱۴۴۸ (الف) جلد ۸ مجموعه قوانین ایالات متحده "به منظور کسب تابعیت، متقاضی تابعیت باید پیش از اعطای آن در دادگاه علنی سوگند ادا کند..." نظر به اینکه آریک در کلیه اوقات قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] منحصرًا تبعه ایران باقی ماند دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به ادعای وی صلاحیت ندارد.

۱۴ - نظر به اینکه آراکل، آندرانیک و آستیک اتباع هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده‌اند دیوان باید تعیین کند که کدامیک از تابعیت‌های آنها طی دوره ذیربط از زمان بروز ادعاها تا هنگام امضای بیانیه‌های الجزیره در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۷] غالب و موثر بوده است. پرونده الف ۱۸ مذکور فوق. بدین منظور دیوان "کلیه عوامل ذیربط از جمله اقامتگاه عادی، مرکز علایق و منافع و پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" را در نظر خواهد گرفت همان مآخذ. این عوامل باید "در ارتباط با دوره بروز ادعا و قبل و بعد از آن" بررسی شود، حکم شماره ۲-۲۳۷-۲۰۴ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] در پرونده لیلا دانش ارفع محمود و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 350,353 9.

۱۵ - آراکل تمام عمر خود پیش از سال ۱۹۷۱ را در ایران گذرانده، در آن کشور کار و با یک زن ایرانی ازدواج کرده و صاحب فرزندی شده و ایشان را در ایران بزرگ کرده است. هرچند آراکل اظهار می‌دارد که در ۱۹۷۱ به ایالات متحده نقل مکان نمود و این امر با خرید مستغلات و ثبت نام فرزندان در مدرسه تأیید می‌شود، مدارک نشان می‌دهد که حتی پس از آن تاریخ هم پیوندهای اصلی آراکل کماکان با ایران بجای ماند.

۱۶ - در وهله اول علایق تجاری آراکل در ایران متمرکز ماند. فعالیتهای وی در شرکت ساختمانی نصب در ایران بعد از ۱۹۷۱ کماکان قابل توجه بود. شرکت مزبور در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸ با وزارت راه در ایران قراردادهای مهمی منعقد کرد و آراکل خود حضورش در ایران را برای عملیات شرکت حیاتی توصیف کرده است. هرچند آراکل اظهار داشته که پس از ترک ایران در ایالات متحده از راه سرمایه‌گذاری در مستغلات تحصیل معاش می‌کرده، مدارک موجود این اظهار وی را تأیید نمی‌کند، بدین معنی که هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که وی هیچگاه از مستغلاتی که خریداری کرده، در آمدی کسب نموده باشد و به نظر می‌رسد که تمام در آمد خانواده یا حداقل قسمت عمده آن از محل فعالیتهای تجاری آراکل در ایران تأمین می‌شده است.

۱۷ - تمرکز زندگی شخصی آراکل نیز کماکان در ایران بود. در واقع وی در سال ۱۹۷۷ با دومین همسر ایرانی خود در ایران ازدواج کرد. گرچه آراکل و همسر دوم وی ظاهراً بعد از ازدواج به ایالات متحده رفتند و دو فرزند آنها در ایالات متحده متولد شدند، آن ازدواج موجب پیوندهای بیشتر آراکل با ایران گردید. به علاوه، مدرکی وجود ندارد که آراکل پس از نقل مکان به ایالات متحده هیچگاه برای جذب در جامعه امریکا کوششی کرده باشد. برای نمونه وی هیچ مدرکی ارائه نداده که نشان دهد زندگی خانوادگی وی چگونه بود یا در چه نوع فعالیتهای اجتماعی (مانند شرکت در انتخابات، پرداخت مالیات، عضویت در مجامع و امثال آنها) شرکت داشته است. مدارکی که وی تسلیم کرده متقاعد کننده نمی‌باشند. خرید دو مقبره در گورستان حداکثر نشانه آن است که وی قصد داشته که آخرین آرامگاهش در ایالات متحده باشد و آنطور که وی ادعا می‌کند، نشانه آن نیست که وی قصد مراجعت به ایران نداشته است زیرا روشن است که فعالیتهای تجاری وی کماکان در ایران متمرکز بوده است.

۱۸ - به علاوه از مدارک چنین بر می‌آید که آراکل بعد از سال ۱۹۷۱ اوقات فراوانی را

در ایران گذراند. آراکل اذعان می‌کند که حتی در دسامبر ۱۹۷۹ نیز به ایران مسافرت کرده و علایق مهم تجاری و شخصی وی، سفرهای متعددی را نیز پیش از آن تاریخ محتمل می‌نماید. این امارات که آراکل کماکان اوقات فراوانی را در ایران می‌گذرانیده، به این موضوع که نسخه گذرنامه ایرانی وی به عنوان مدرک ارائه نشده اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد زیرا گذرنامه وی موارد ورود و خروج وی از ایران را به طور مستند نشان می‌داد.

۱۹ - مدارک موجود در این پرونده موید این نظر نیست که پیوندهای آراکل با ایالات متحده، که با کسب تابعیت داوطلبانه ایالات متحده از جانب وی در نوامبر ۱۹۷۹ مشهود است، بر پیوندهای مداوم وی با ایران تفوق دارد. رجوع شود به بند ۲۴ حکم صادره در پرونده محمود، مذکور در فوق. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که آراکل نتوانسته ثابت کند تابعیت غالب و موثر وی در هنگام بروز ادعاهای تابعیت ایالات متحده بوده است.

۲۰ - در مورد آندرانیک و آستیک، دیوان ملاحظه می‌کند که ادله‌ای که آنها درباره تابعیت غالب و موثر خود تسلیم کرده‌اند بسیار معدود است. ادله کتبی آنها صرفاً عبارت است از نسخ گواهی کسب تابعیت ایالات متحده، کارنامه‌های تحصیلی که نشان می‌دهد بعد از ۱۹۷۱ چند سال در مدارس ایالات متحده تحصیل کرده‌اند. حتی این ادله کتبی به علت اینکه آندرانیک در ۱۹۷۴ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده و نیز به این علت که چندین سال از مدتی را که آستیک حسب ادعا مشغول تحصیل بوده در بر نمی‌گیرد ناقص است. به علاوه، تحصیل در ایالات متحده الزاماً به مفهوم پیوند فرد با آن کشور نیست. علاوه بر آن هیچیک از خواهانها شهادتنامه یا ادله دیگری در تأیید اظهارات مندرج در لوایح خود ارائه نداده‌اند: تنها "شهادتنامه" ای که به ثبت رسیده چیزی بیش از لایحه معارضی از طرف آراکل، حاوی استدلالاتی درباره واقعیتهای معدودی که در پرونده وجود دارد، نمی‌باشد.

۲۱ - در نتیجه، نهایتاً هیچ مدرکی از پیوندهای آندرانیک و آستیک با ایالات متحده در پرونده وجود ندارد. آندرانیک هیچ مدرکی حاکی از اینکه بعد از فراغت از تحصیل دبیرستانی در کجا زندگی می‌کرده و چه نوع مشاغلی داشته یا اینکه آیا پس از احراز شرط سن، در انتخابات امریکا رأی داده یا خیر ارائه نکرده است. آستیک هیچ مدرکی حاکی از اینکه در مدرسه شبانه روزی چه تحصیل می‌کرده یا تعطیلات دبیرستانی خود را کجا می‌گذرانده ارائه نکرده است. هیچیک از این دو، هیچ مدرکی درباره اینکه معمولاً با دوستان و افراد خانواده خود به چه زبانی تکلم و در اوقات فراغت خود در چه فعالیتهایی شرکت می‌کرده‌اند، یا چه مدت در ایران گذرانده‌اند، ارائه نکرده‌اند. هیچیک از این دو نیز مانند پدر خود فتوکپی گذرنامه‌های خود را تسلیم نکرده‌اند. گرچه مدارک موجود کمتر نشانگر استمرار پیوندهای آنها با ایران و بیشتر گویای استمرار پیوندهای پدر با آن کشور است، صرف نبودن چنین مدارکی، به تنهایی کافی نیست ثابت کند که تابعیت غالب یک خواهان امریکائی است. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که آندرانیک خاچاطوریانس و آستیک خواجه طوریانس نتوانسته‌اند ثابت کنند که تابعیت غالب و موثر آنها در زمان ایجاد ادعاهایشان تابعیت ایالات متحده بوده است.

۲۲ - از آنجا که دیوان نظر داد که نسبت به ادعاهای خواهانها صلاحیت ندارد، ادعای متقابل بانک تجارت نیز باید به دلیل عدم صلاحیت رد شود.

چهار - حکم

۲۳ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

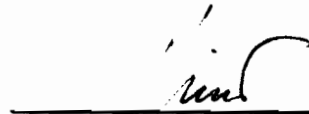
الف) ادعاهای آراکل خواجه طوریانس، آندرانیک خاچاطوریانس، آریک خواجه

طورینس و آستیک خواجه طورینس به لحاظ عدم صلاحیت مردود اعلام می شوند.

ب) ادعای بانک تجارت نیز به لحاظ عدم صلاحیت رد می شود.

ج) هر طرف مسئول تقبل هزینه های داوری مربوط به خود می باشد.

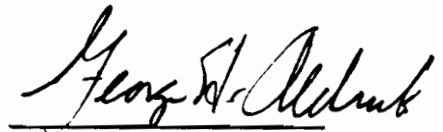
لاهور، به تاریخ ۱۱/۸/۱۳۶۹ برابر با ۲۵ ژانویه ۱۹۹۱



روبرت برینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا
Korosh H. Ameli
کورش ح

کورش ح. عاملی



جرج اچ. آلدريج

موافق با نتیجه
باید اضافه نمایم که ادعای آریک به علت فوت
وی در زمان مطروح بودن پرونده و عدم معرفی
وارث یا موصی له به دیوان و اعلام اینکه آیا
چنین شخصی قصد دارد ادعا را تعقیب کند نیز
باید بطریق اولی رد گردد.